

بسمه تعالی

یافتن موضعی منطقی در قبال آثار فرهنگی و دینی تکنولوژی

حمیدرضا آیت اللهی

رئیس انجمن علمی فلسفه دین و استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی

بنظر می رسد مارکس اولین کسی بود که در دوران مدرن به تاثیر عمیق تکنولوژی بر فرهنگ و دین توجه کرد. اما او تکنولوژی را بیشتر در ابزار تولید می دید و افراط گرایانه تمام دین، فرهنگ و اخلاق را یکسره برخاسته از نوع ابزار تولید می دانست.

هایدگر نشان داد که موضع ابزار انگاری در قبال تکنولوژی ساده انگاری است و با طرح امر غیر تکنولوژیک گشتل هرگونه تسلط بر آن را ناممکن دانست. او تنها برخورد فعال با گشتل را در آگاهی به این جبر تکنولوژیک می دید و نهایتا پناه بردن به هنر را راه علاجي برای آن می دانست. با این تحلیل هایدگر، موضوع خودمختاری تکنولوژی در محور بحثهای فلسفی و اجتماعی تکنولوژی قرار گرفت.

اندیشمندان پس از او، تحلیل‌های متعادل تری را نسبت به تکنولوژی ارائه کردند. بورگمان به خصوصیت کانون زدایانه مداوم تکنولوژی توجه نمود و واکنش ما را نه در مقابله با آن که رهاکردن یک کانون از هم پاشیده برای بوجود آوردن کانونهای جدید دانست. در نظر او ما ناگزیر از تسلیم در برابر پراکنده سازی تکنولوژی هستیم و باید با تشکیل کانون های جدید مواجهه فعال خود را در قبال تکنولوژی داشته باشیم.

دون آیدی توجه نمود که علی رغم تحمیلیایی که تکنولوژی بخودی خود بر فرهنگ و اندیشه و اجتماع دارد ولی نمی توان تاثیر و اثر فرهنگ و تکنولوژی را یکسره با این حضور منفعلانه توجیه کرد بلکه به نقش آفرینی انسان در این میانه نیز واقف بود. در نظر او جریان فکری فلسفه تکنولوژی باید بین دو طیف نگرش مهندسی گرا که به ابزارگرایی بیشتر نزدیک بود و جریان انسانی گرا که به وجوه تاثیرات تکنولوژی بر ابعاد انسانی توجه می نمود باشد. اما موضع دون آیدی تاکید بر هردو جنبه دترمینیستی تکنولوژی و دترمینیستی اجتماعی است. حال آیدی در برابر این تحلیل میانه خود از تکنولوژی چه مواجهه ای را به ما توصیه می کند، چندان تجویز راهگشایی بجز تاکید بر تکرر گرایی و تسامح در آراء او نمی توان یافت.

فینبرگ نه تنها بر این وجوه دوگانه تکنولوژی تاکید می کرده است بلکه جریانی نیز برای روند تاثیر و اثر تکنولوژی و عمل اجتماعی و فرهنگ قائل می شود و گذر از نوعی ابزار سازی اولیه به ابزارسازی ثانویه که در قالب فعالیت دمکراتیک میسر است تاکید می کند و با این تجویز، دستورالعملی برای فعالیت بشری در قبال تکنولوژی ارائه می کند.

آیدی بخوبی توجه می دهد که موضع جوامع مختلف در قبال دترمینیسم تکنولوژی متفاوت است از تسلیم محض تا فعال محض در قبال آن. حال این مائیم و حضور گسترده تکنولوژی های سخت و نرم در جامعه ما. ما چه موضعی را باید در این میانه داشته باشیم؟

اولین تلاش فکری که باید داشته باشیم آگاهی یافتن و آگاهی دادن به این وجوه متفاوت تکنولوژی است تا از خامی های محض بین ابزار انگاری پراگماتیستی و جبرگرایی مارکسیستی بیرون بیاییم. خود این توجه به بنیادهای آشکار و پنهان تکنولوژی، ما را از توقع های بیش از اندازه از تکنولوژی به عنوان ابزار دست انسانهایی مختار باز می دارد و همچنین از تسلیم منفعلانه در برابر آثار فرهنگی و دینی تکنولوژی که معمولا آمیخته به فرهنگ غربی است دور می کند. این نگرش جدید از خام انگاری تاثیرات تکنولوژی بر جامعه ما که چون ابزار است حتما در تمامی تاثیراتش عواملی انسانی در کار بوده اند باز می دارد و از اینکه همه وجوه تاثیرات آن را به عوامل مختار قدرتمند پشت پرده همچون صهیونیسم جهانی استناد دهیم باز می دارد؛ این نوع مواجهه باعث شده است که خوش خیال از یافتن علت تغییرات فرهنگی و به علت کوتاه بودن دست ما در مبارزه علیه عوامل قدرقدرت آن به یک انفعال ناامیدانه کشیده نشویم و همچنین فعالیت خویش را بجای تمرکز بر عوامل اصلی برخاسته از ذات تکنولوژی به غلط به عوامل دیگر سرایت ندهیم. از طرف دیگر با پذیرش دترمینیسم تکنولوژی راه تسلیم محض در برابر آثار فرهنگی و دینی تکنولوژی با خاستگاه غربی را به عنوان سرنوشت محتوم ما نپیماییم و بدانیم گرچه تکنولوژی تحمیلهایی بر ما دارد ولی ما باید فعالانه تمامی انواع تلاش خود را برای تغییر تاثیرهای آن داشته باشیم همانگونه که بسیاری از اندیشمندان و فعالان فرهنگی غربی چنین می کنند.

نهایت آنکه: اولاً، باید هم تاثیرهای جبری تکنولوژیک را بشناسیم و هم توانایی های خودمان برای فراروی از این جبر بیابیم. ثانياً باید فعالانه نه تنها آثار فرهنگی و دینی تکنولوژی را رصد کنیم، بلکه همواره باید راههایی هر چند متنوع برای تاثیر گذاری بر آن – همچون کانون سازی مداوم در نظر بورگمان – بیابیم اگر چه در برخی موارد نیز با شکست مواجه شویم. و این تماماً با **بالا بردن معتدلانه روحیه خودباروی** آغاز می شود.